

حقیقت جایگزین ندارد

رامین کامران



از اعتراضات آبان ماه به این سو، فشار تبلیغاتی آمریکا و متحدانش بر جمهوری اسلامی و نیز اپوزیسیون سالم ایرانی که امربرشان نیست، شدت گرفته است. این فشار حکایت از توهم یکسره کردن کار به ضرب هوجبگری و تقویت اغتشاش ذهنی و عملی دارد. برای اینکه کار دولت‌های خارجی مخالف جمهوری اسلامی پیش برود، باید مردم ایران در سردرگمی فکری و سرگشتگی عملی که دنبال آن است بمانند، تا نتوانند راه خود را بجویند و تصمیمی سنجیده اتخاذ نمایند. به این حساب، باید از برآمدن هر رهبری فکری و عملی که بتواند آنها را به سوی منافع ملی شان رهنمون باشد، جلوگیری کرد تا در برابر آتش توپخانه رسانه ای، حفاظی نداشته باشند، یا به فرمان آن حرکت کنند و یا اینکه اصلاً فلج بشوند.

این آتش شدید در سه مورد به کار گرفته شد.

اول مورد حمید نوری که به اتهام شراکت در سرکوب و قتل مخالفان طی ده شصت، در سوئد بازداشت شده است. روشن است که هم مخالفان نظام اسلامی و حتی میتوان گفت هر ایرانی که مختصری عدالت خواهی در وجودش باشد، خواستار محاکمه و مجازات تمامی کسانی است که در سرکوبهای سیاسی و بخصوص قتل‌های دستجمعی حکومت اسلامی، دست داشته اند. ولی متأسفانه، از روز اول، تمامی سر و صدای تبلیغاتی که دو تعزیه گردان بدنام هم دارد، روی این متمرکز گشته که شخص بازداشت شده را به همه مجرم معرفی کند. یک کلام: هیچکس تا دادگاه به جرمش رسیدگی نکرده مجرم نیست، متهم است، وگرنه میشود دادگاه انقلاب یا اسلامی. آسمان به زمین بیاید، همین است که هست. اگر اینرا بدهید برود، از عدالت چیزی نخواهد ماند. متأسفانه هر کس اینرا یادآوری کرده، یا به سؤسابق مشهود متولیان پرونده اشاره نموده، در معرض شدیدترین اعتراض ها و تعرضها قرار گرفته.

مورد دوم ترور سلیمانی است. برای موجه جلوه دادن این عمل که نه از نظر حقوقی و نه سیاسی توجیه بردار نبود. فشار رسانه ای که در مورد فیسبوک - چنانکه انتظار میرفت - صورت سانسور صریح هم پیدا کرد، یک هدف معین را تعقیب مینمود: جلوگیری از هر بحث متعادل و

سنگش جوانب مختلف قضیه. با کوشش در گذاشتن تمامی جنایات ممکن بر گردن سلیمانی. معاون رئیس جمهور آمریکا، حتی یازده سپتامبر را هم به نوعی او نسبت داد، فقط حمله به پرل هاربر را از قلم انداخت. اینجا نیز هرکس مردم را به قضاوت متعادل فراخواند، متهم به تجلیل از سلیمانی و هواداری از رژیم و... شد.

مورد سوم، ساقط کردن هواپیمای اوکراینی است. پس از سه روز که حکومت ایران رسماً پذیرفت که آتش پدافند هوایی کشور این هواپیما را ساقط نموده، کار باید حواله میشد به متخصصان و خواندن جعبه سیاه و... و از حوزۀ هوچی بازی بیرون میرفت. متأسفانه نرفت و کوشش دستگاه های تبلیغاتی متمرکز شد بر القأ کردن این فکر به مردم که حکومت از روی قصد هواپیما را سرنگون کرده است! بی هیچ دلیل قانع کننده و به ضرب تکرار حرف به انحاء مختلف. طبعاً اگر کسی زبان باز کرد که این حرف منطقی نیست و دو ویدئویی که از طرف نیویورک تایمز پخش شده، در معرض انتقاد جدی است و مطلقاً قابل اعتماد نیست، به طرفداری از حکومت متهم شد.

در این هر سه مورد، کوشش وسیعی انجام گرفته تا بحث را از هر مجرای عقلانی دور نگاه دارد و با اتکای به یک چیز: نفرت مردم ایران از نظامی که چهل سال است، نه فقط از حقوق اساسی خود محرومشان کرده است و دست به هزار جرم و جنایت آلوده، بل با وقاحت و دریدگی تمام توی چشمشان زل زده و به آنها دروغ گفته است. این رفتار، مردم را در موقعیتی قرار داده که تمایل دارند تا هر چه حکومت میگوید، دروغ بشمرند و هر چه در مخالفت با حکومت گفته شود، راست. مسئول این وضعیت، جز خود حکومت اسلامی نیست و هیچ بخش آنرا نمیتواند بر گردن امپریالیسم و صهیونیسم و... بیاندازد. این رفتار و گفتار، مردم ایران در موقعیتی قرار داده است که میتوان با استفاده از یک مکانیسم واکنشی ساده، واداشتشان تا خلاف منافع خود هم عمل نکنند. آنهایی که میخواهند ایران را با تشویق هرج و مرج به سوی نابودی ببرند، از این وضعیت کمال سؤاستفاده را میکنند.

برای اثبات دروغگویی اسلامگرایان، هنوز از داستان سینما رکس صحبت میشود. به یاد بیاورید که آنجا نیز از همین نفرت مردم از دولت وقیح و دروغزن آریامهری سؤاستفاده شد تا دروغی بزرگ به آنها قبولانده بشود. خود دولت هم چنان به منفور بودن خویش و بی اعتمادی مردم، مطمئن بود که حتی جرأت نکرد حقیقت را که کشف کرده بود، با همگان در میان بگذارد، چون میدانست که هیچکس باور نخواهد کرد - نهایت درجۀ ورشکستگی اخلاقی. از آن روز تا به امروز، تکنیکهای

بازی دادن شما مردم فرقی نکرده.

اینرا هیچوقت فراموش نکنید: حقیقت جایگزین ندارد. اگر بر سر آن سهل انگاری به خرج دهید، شما را به هر جایی خواهند کشید. واکنش سینما رکسی نشان ندهید.

رامین کامران

۱۹ ژانویه ۲۰۲۰، ۲۹ دی ۱۳۹۸

برگرفته از سایت iranliberal.com